

دانشگاهیهها بدانند این را که همانطوری که یک مجتهد در سرنوشت خودش باید دخالت کند، یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند، فرق ما بین دانشگاهی و دانشجو و مثلاً مدرسه ای و اینها نیست، همه شان با هم هستند. همان؛ ج ۱۸، ص ۳۶۸

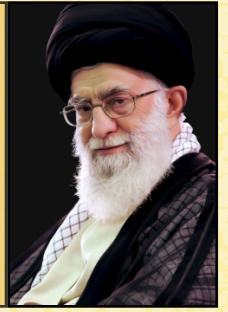


حکایت

گاهنامه فرهنگی اجتماعی سیاسی اقتصادی دانشگاه شیراز



دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالبها و نوآوریهای علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزشهای اسلامی را بالا ببرند.



در این شماره می خوانید:

بررسی طرح رتبه بندی معلمان به صورت ساده با نگاهی به بدنه این طرح	حضوری شدن دانشگاه ها	سند تحول بنیادین بیانیه ارزش‌ها
مشخص نشدن وزیر آموزش و پرورش	کنکور	موسسات کنکور و درآمد کلان آنها

حدیث

امام صادق علیه السلام:

لَسْتُ أَحَبُّ أَنْ أَرَى الشَّبَابَ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا.
دوست ندارم جوانی از شما [شیعیان] را جز بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو.
(امالی طوسی ص ۳۰۳)



بزرگداشت
دانشجویان
گرامی باد

عزاد

بررسی طرح رتبه بندی معلمان به صورت ساده با نگاهی به بدنه این طرح

چکیده

این پژوهش در مورد مبحث تعلیم و تربیت و آموزش معلمان است. نیازهای جامعه نسبت به معلمان به گونه وصف ناپذیری بسیار است. از طرف دیگر هم رتبه بندی یکی از مسائلی است که امروزه برای بسیاری از معلمان مهم است. این مقاله سعی دارد رویکردها را نسبت به طرح رتبه بندی بررسی کند. مباحثی که باید در نظر گرفته شود، زمینه تعلیم و تربیت و رویکرد آموزشی معلمان است. معلم رکن آموزش است و نمادی از فرهنگ، جامعه از وجوه متعددی به معلمان نیاز دارد و لذا معلمان هم باید در کفه سنجش قرار بگیرند. وزارت آموزش و پرورش هم اولین بستر شناسایی، پرورش و رشد معلمان است. اثرات طرح های آموزش و پرورش بر کار، پرورش، کیفیت کارکرد و کیفیت یادگیری معلمان بسیار است.

مقدمه

رتبه بندی فرآیندی است که منجر به ارتقای کیفیت در آموزش و پرورش می شود و هدف مستقیم آن افزایش حقوق نیست اما منجر به افزایش حقوق هم می شود؛ صلاحیت های عمومی شامل شخصیت افراد، و عمومی های شامل دانش و توانمندی های آموزشی و پرورشی و حرفه ای، شامل مجموعه ای از شایستگی های، توانمندی های و مهارت هایی است که معلم حین کار به دست آورده و خود را ارتقا می دهد کاملاً مرتبط با شغل معلمی است.

ارزشیابی و رتبه بندی معلمان یک سیاست آموزشی مهم و راهبردی قوی جهت بهبود بخشیدن به آموزش دانش آموزان در جهت پیشرفت تحصیلی بهتر است (جعفر نژاد، زین آبادی و عابدی کوشکی، ۱۳۹۵) یکی از مهم ترین موضوعاتی که انگیزه و توسعه حرفه ای معلمان را تحت تاثیر قرار میدهد، ارزیابی عملکرد و رتبه بندی معلمان است.

با توجه به اهمیت نقش ارزشیابی در توسعه حرفه ای معلمان در کشور های مختلف تلاش زیادی برای طراحی یک نظام ارزشیابی به منظور افزایش پیشرفت تحصیلی، کیفیت و برابری انجام گرفت است (گرینی و کلاگان، ۲۰۰۸ به نقل از قرونه).

بررسی پژوهش

ارزشیابی معلم دو کارکرد اصلی دارد: کارکرد بهبود عملکرد و کارکرد پاسخگویی. ارزشیابی معلم با هدف بهبود بر ارائه بازخورد های مفید برای بهسازی عمل تدریس تمرکز دارد؛ از این طریق به معلمان کمک می شود تا درباره عملکردشان فکر کنند، درباره بهبود آن نیز یاد بگیرند و در جهت بهبود اقدام کنند. کارکرد پاسخگویی بر مسئولیت پذیری معلمان در قبال عملکردشان تمرکز دارد. این خود محرکی است برای معلمان که بهترین عملکردشان را عرضه کنند (سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۹).

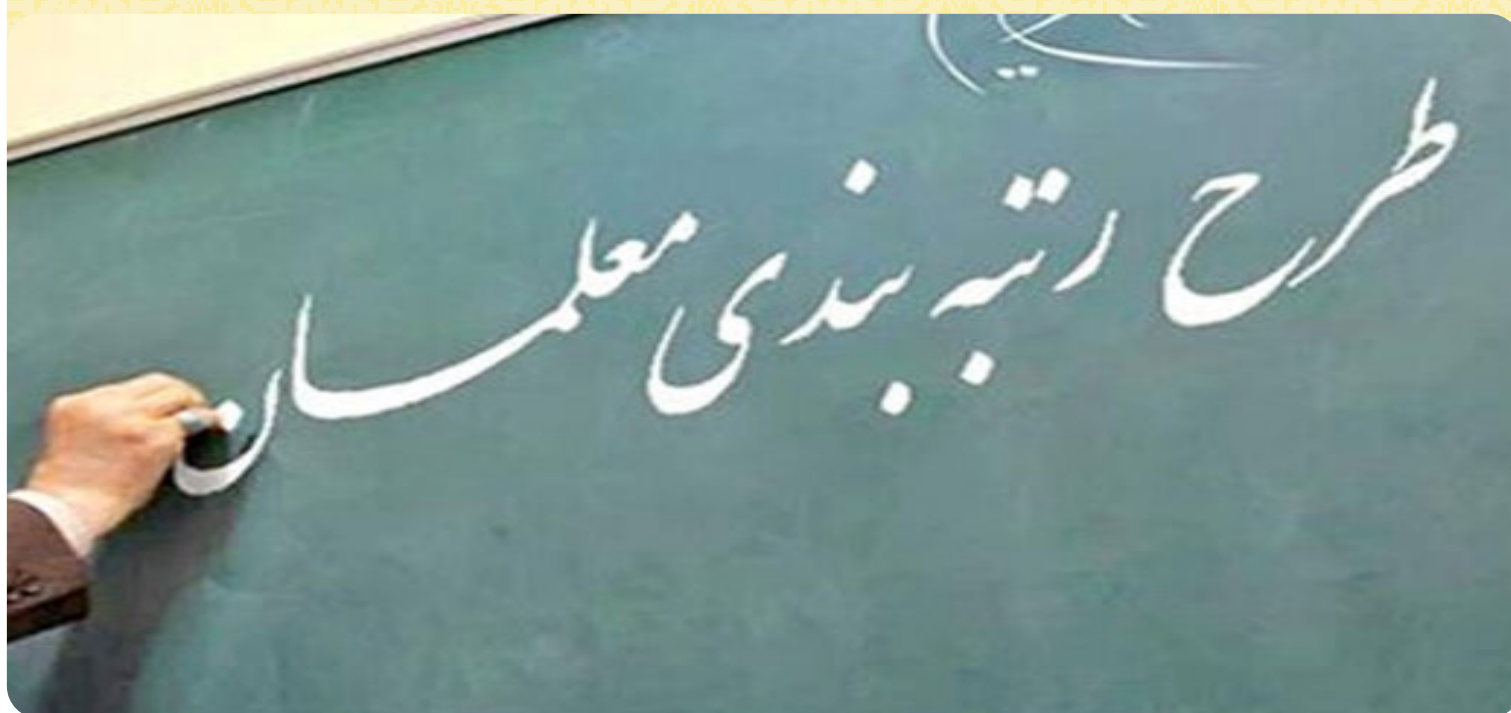
البته باید در نظر داشت که نارضایتی های گسترده ای در میان مدیران مدارس و معلمان بر سر نحوه ارزشیابی معلمان وجود دارد (دنیلسون، ۲۰۰۱). به منظور برخورداری از یک نظام ارزشیابی و رتبه بندی حرفه ای برای معلمان، ابتدا نیاز است که نسبت به شناسایی مهم تری شایستگی ها و صلاحیت های محوری معلمان اقدام شود. صاحب نظران تعلیم و تربیت درباره مفهوم صلاحیت و مهارت های حرفه ای معلمان نظریات مختلفی بیان کرده اند و تعریف معلم اثر بخش از دیدگاه افراد متفاوت بوده است؛ دسته ای از پژوهش های بر شناسایی صلاحیت های لازم برای حرفه معلمی به منظور فراهم کردن الگویی برای ارزشیابی عملکرد معلمان تمرکز داشته اند. از جمله عابدی (۱۳۸۲) که مجموعه صلاحیت های ضروری برای تدریس را در چهار مقوله دسته بندی کرده است: ۱. جلب و حفظ توجه ۲. ارائه درس ۳. ارزشیابی ۴. کلاسداری.

در ایران وزارت آموزش و پرورش در شهریور ماه ۱۳۷۱ ضوابط رتبه بندی حرفه ای مشمولان طرح طبقه مشاغل معلمان را برای اجرا از ابتدای سال تحصیلی ۹۴-۹۵ به ادارات کل آموزش و پرورش استانها ابلاغ کرده است. مشمولان این طرح همه معلمان شاغل در در روند تعلیم و تربیت ایران و زیر نظر وزارت آموزش و پرورش؛ شامل، آموزگاران، دبیران، هنر آموزان و مربیان امور تربیتی که به صورت تمام وقت به خدمت اشتغال دارند، می باشد. طبق این شیوه نامه، رتبه های معلمان به ترتیب عبارتند از:

الف) پایه حرفه ای: با داشتن حداقل شش سال تجربه، گذراندن ۱۸۰ ساعت آموزش ضمن خدمت، کسب حداقل ۷۵ امتیاز ارزیابی عملکرد و کسب حداقل ۶۰ درصد امتیاز شایستگی های عمومی و حرفه ای.

ب) ارشد حرفه ای: با داشتن حداقل ۱۲ سال تجربه، گذراندن ۱۵۰ ساعت دوره آموزشی ضمن خدمت در طول دوره بین دو رتبه، کسب حداقل ۸۰ امتیاز از ارزیابی عملکرد سال قبل و کسب حداقل ۶۵ امتیاز از شایستگی های عمومی و حرفه ای.

ج) خبره حرفه ای: داشتن حداقل ۱۸ سال تجربه گذراندن ۱۲۰ ساعت دوره آموزشی ضمن خدمت بین دو رتبه، کسب حداقل ۸۵ امتیاز از ارزیابی عملکرد سال



کارشناس ارزیابی معلمان و مدیران و مسئول اجرای طرح رتبه بندی معلمان
کارشناسان تکنولوژی در ناحیه های آموزش و پرورش:
کارشناس ارزیابی معلمان و متولی اجرای طرح

اکثر مصاحبه شوندگان به ضرورت های توجه دقیق به صلاحیت های حرفه ای معلمان اذعان داشته اند. از نظر آنها راهی برای اجرای عدالت بوده است. به نظر اکثر آنها یکی از روش های حل اختلافات عمده برای حوزه حقوق و مزایا در بین کارکنان آموزش و پرورش است. با این اوصاف مشخص میشود که ضرورت این از دیدگاه آنان بسیار جدی بوده است. اما نقاط ضعف این طرح نیز از نظر آنان بدین شکل بوده است: این طرح باعث زوال سیستم عاقلانه است و باعث ایجاد رقابت های منفی میشود؛ با دلیل آوردن خیلی از مصاحبه شوندگان، تلاش معلمان نادیده گرفته می شود.

در یافته های این پژوهش علاوه بر مقبولیت و واضح بودن ضرورت آن نقاط ضعف این طرح شامل عدم جامعیت طرح، عدم شفافیت برخی شاخص ها و ملاک ها، اعمال نظر شخصی و طولانی بودن اجرای طرح بوده است. به هرحال این طرح امروزه طرفداران زیادی دارد و مشخص می شود که اهمیت و ضروریات این طرح بسیار بارز تر است. امید است که این طرح در آینده پیش رو از نظر وجوه دیگری مثل تاثیر آن بر روند یادگیری معلمان، به کارگرفتن سواد اطلاعاتی در امر تدریس قرار گیرد و شاهد این باشیم که پژوهشگران از این جنبه ها نیز این طرح را مورد پژوهش قرار دهند.

منابع

۱. برگرفته از وب سایت تماشا نیوز.
۲. قرونه، داود. (۱۳۹۹). نگرش معلمان و مدیران مدارس نسبت به طرح رتبه بندی حرفه ای مشاغل معلمان: یک مطالعه پدیدارشناسی. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۹(۲)، ۱۵۷-۱۸۲.
۳. میر غفور، سید حبیب اله (۱۳۸۶)، شناسایی، تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر بهره وری معلمان: مجله علوم تربیتی و روان شناسی؛ دانشگاه شهید چمران، ۳ (۱۴)، ۱۳۳-۱۵۸

ایوب اسفندیاری

کارشناسی علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه شیراز

تحصیلی قبلی و کسب حداقل ۷۵ درصد از شایستگی های عمومی و حرفه ای. (د) عالی حرفه ای: داشتن حداقل ۲۴ سال تجربه و حداقل ۳ سال توقف در رتبه خیره، گذراندن ۱۰۰ ساعت آموزش ضمن خدمت بین طول دو رتبه، کسب حداقل ۹۰ امتیاز از ارزیابی عملکرد در سال تحصیلی گذشته و کسب حداقل ۸۵ امتیاز از شایستگی های عمومی و حرفه ای.

در این طرح شایستگی های معلمان در دو دسته اصلی شایستگی های عمومی (شامل ۴ شاخص) و شایستگی های حرفه ای (شامل شاخص برای شایستگی های دانشی و ۱۱ شاخص برای شایستگی های مهارتی) ارزیابی می شود که مجموع امتیاز آنها حداکثر ۱۰۰ امتیاز است. روال کار به این صورت است که در ابتدا باید مشمولان درخواست خود را به مدیر واحد آموزشی اطلاع داده و سپس مدیر واحد آموزشی هماهنگی لازم را با اداره آموزش و پرورش آن مکان انجام می دهد که بدین ترتیب ارزیاب اعزام شود. ارزیاب به مدت یک زنگ (یک جلسه کامل در کلاس حضور می یابد) نتیجه مشاهدات خود را بررسی می کند، در گروه ارزیابی مدرسه شرح می دهد

و فرمی تکمیل می کند؛ فرم تکمیل شده برای اداره آموزش و پرورش ارسال می شود تا مراحل مربوطه طی شود. با بررسی آموزش و پرورش، فهرست رتبه های عالی و خیره حرفه ای را همراه با مدرک به اداره کل آموزش و پرورش استان ارسال می شود تا در کارگروه توسعه مدیریت طرح و تایید بشود. پژوهش حاضر با بررسی پیکره و بدنه اجرای این طرح سعی در انتقال بهتر مفاهیم به خوانندگان دارد. علیرغم اینکه هر طرحی در طول زمان با انتقادات و پیشنهاداتی مواجه بوده است، طرح رتبه بندی معلمان هم در این فرایند قرار می گیرد.

در مصاحبه ای که (قرونه) در مورد ضرورت های اجرای طرح با روش نمونه گیری هدفمند و شیوه گلوله برفی به عمل آورد معیار های مصاحبه شوندگان به بخش های زیر تقسیم شد:

مدیران مدارس:

بیش از ۱۵ سال سابقه کار و صاحب نظر در زمینه ارزیابی معلمان معلمان:

حداقل ده سال سابقه کار، انتخاب حداقل یکبار به عنوان معلم نمونه استانی و مشمول طرح رتبه بندی

کارشناسان اداره کل آموزش و پرورش:



حضوری شدن دانشگاه ها

اما به فرض دارا بودن امکانات و سیستم های لازم دانشجو باید در وهله اول در کلاس درس حاضر شود و در وهله بعد ویس کلاس را ضبط نماید و بعد در یک فرصت مقتضی آن ویس را گوش کرده و پس از آن جزوه ای مدون نموده و در نهایت جزوه ها و نوشته های خود را مورد بررسی و واکاوی قرار داده و در آزمون شرکت نماید.

درواقع وقتیکه با دقت به مسئله می نگریم متوجه میشویم که دانشجو باید همیشه پایه پا و روبه رو سیستم بوده و به قولی هفت خان مجازی را طی کند تا بتواند جزوه ای تدوین نماید و برای امتحان آماده شود در حالیکه اگر آموزش به صورت حضوری ارائه شود دانشجو فقط نیاز است که جزوه ای تدوین نماید و در آزمون شرکت کند و دیگر بحث ضبط کردن ویس های کلاس و گوش دادن مجدد آنها در میان نیست.

دانشجو تلاش خود را کرده جزوه ای مدون نموده و آن را مورد واکاوی و بررسی قرار داده و مطالعه کرده و قصد دارد در آزمون شرکت نماید. اما حدود چند دقیقه قبل از آغاز برگزاری آزمون و یا در اواسط تایم آزمون بسته اینترنتی دانشجو تمام شده یا نه اصلا برق رفته است و باعث شده دانشجو نتواند در نهایت در آزمون شرکت نماید و یا از پاسخ دادن به ادامه سوالات آزمون محروم شود که این باعث وارد آمدن فشارهای روحی و روانی بسیاری در فرد می شود. شخص تمام تلاش خود را کرده و شب و روز وقت گذاشته است اما به صورت ناگهانی و یک دفعه تمام زحمات او بر باد رفته است.

اسفناک ترین زمان آنجایی است که وقتی با مسئولان مربوطه در مورد چنین مسئله ای صحبتی صورت می گیرد آنها یا پاسخ نمی دهند و یا پاسخ درستی نمی دهند و بیان می کنند که مشکل از خودتان بوده و هیچگونه ارتباطی به ما ندارد یا اینکه می توانید ترم آینده مجدد درس را بگیری و از این جور سخن ها در حالیکه در صورت حضوری شدن

بی شک دوران دانشجویی از جمله دوران های تکرار نشدنی هر دانشجویی است. دورانی که ضمن تغییر دادن زاویه دید و نگرش شخص نسبت به جهان اطراف و اشخاص پیرامون خود زمینه ارتقاء سطح علمی او را نیز فراهم می آورد.

بدون شک هر دانشجویی هدف خود از ورود به جامعه آکادمیک دانشگاهی را در وهله اول تحصیل علم و ادب و ارتقاء سطح علمی اش قرار داده تا اینکه بتواند با موثر واقع شدن در سطح جامعه آینده ای روشن را برای خود رقم بزند. در وهله های بعد استفاده کردن از محیط دانشگاه و آشنا شدن با اشخاصی که دیدگاه ها و نگرش های مختلفی دارند و بهره مندی از تجربیات آنها قرار می دهد.

اما در طی این مدت زمانی که دانشگاه ها به دلیل ویروس منحوس آموزش های خود را به صورت مجازی ارائه داده اند از تلاش دانشجو برای رسیدن به چنین اهدافی به مراتب کاسته شده است. در واقع برگزاری کلاس ها به شیوه مجازی ضمن اینکه از میزان تاثیرگذاری آموزش کاسته و میزان یادگیری دانشجو را به سطح پایینی تنزل بخشیده، اثرات روحی و روانی بسیاری برای دانشجو با خود به دنبال می آورد.

شاید در نگاه اول این به نظر برسد که چون آموزش به صورت مجازی ارائه می شود و می توان در هر نقطه ای از کره خاکی که بود سیستم خود را روشن کرده و در کلاس حاضر شده و یا در آزمون ها شرکت کرده، پس ارائه آموزش به صورت مجازی از حضوری شدن آن به صرفه تر و مطلوب تر است. درست است و ما هم تا حدودی این اظهارات شما را درست می پنداریم، اما شاید بهتر باشد جوانب دیگر قضیه را مدنظر قرار داده و بعدا با دقت و ژرف بینی بیشتری اظهار نظر نمایید. درواقع در آموزش های مجازی اگر شخصی سیستم و امکانات لازم جهت شرکت در کلاس ها و پیگیری مطالب را نداشته باشد که واقعا مشکل بزرگی ست و وجدان انسان برای چنین اشخاصی به درد می آید.





نکته مهم و قابل توجه اینکه در صورت حضوری شدن دانشگاه دانشجو می‌تواند با شرکت در انواع مسابقات علمی، فرهنگی، ادبی و بالخصوص ورزشی یا شرکت در انواع مختلف مراسمات و جشن‌ها و یا با حضور یافتن و همچنین عضویت در نهادهای مختلف دانشجویی و دانشگاهی اوقات فراغت خود را به نحو صحیحی مدیریت کرده و آنها را به بطالت و بیهودگی نگذارد و همچنین با ایجاد تنوع در بین برنامه درسی خود بالاترین سطح انگیزه را در خود به ارمغان آورد.

البته در چنین شرایطی که ویروس منحوس بر فضای جامعه حاکم شده، بازگشایی دانشگاه‌ها شاید کمی خطرناک باشد که درواقع منظور از دانشگاه محیط خوابگاه می‌باشد چرا که امکان بازگشایی دانشگاه‌ها فی‌نفسه در صورتی که یک سری شرایط و ضوابط بهداشتی و اجتماعی رعایت شود مشکلی در پی نخواهد داشت.

اما مهمترین بحث محیط خوابگاهی‌ست که چون قریب به اتفاق اعضای محیط آکادمیک دانشگاهی را ساکنین خوابگاهی تشکیل می‌دهند بنابر این تا زمانیکه احتمال بروز خطر زیر صفر نباشد شاید عاقلانه نباشد که دستور به بازگشایی محیط خوابگاهی که محیطی بسته و در عین حال شلوغ و بدون هیچ گونه فاصله ای است را صادر کرد.

علی دهقانی

کارشناسی حقوق دانشگاه شیراز

دانشگاه‌ها و ارائه آموزش به صورت حضوری دیگر نیازی به بودن نبودن برق یا داشتن یا نداشتن بسته اینترنت نیست و دانشجو می‌تواند با صرف حضورش در حوزه آزمون و بدون هیچ استرس و مشکل روحی روانی در آزمون شرکت نماید.

البته از حق نگذریم درست است که دانشگاه‌ها و مسئولان آموزشی در به وجود آمدن چنین شرایطی هیچ گونه دخالتی نداشته و صرفا ناشی از ویروس منحوس بوده‌است. اما باید همگی دست به دست هم داده و یکدیگر را یاری نمایند تا بر چنین شرایطی فائق آمد و بشود چنین بحرانی را به خوبی پشت سر گذاشت.

درواقع حضوری شدن دانشگاه‌ها و بالخصوص ارائه آموزش به صورت حضوری بیشترین مزایا را داشته و باعث می‌شود کیفیت آموزش و یادگیری ارتقاء یافته و شاهد پیشرفت و ارتقاء سطح علمی دانشجو باشیم. در آموزش حضوری دانشجو با حضور یافتن در کلاس درس استاد و برقراری ارتباط چشمی سطح دقت و توجه خود را بالا برده و سعی می‌کند با مطالب ارتباط برقرار کرده و آنها را درک نماید. درواقع فضای حاکم بر کلاس حضوری و آموزش حضوری و ارتباط چشمی چنین وضعیتی را به ارمغان خواهد آورد.

در آموزش حضوری دانشجو از طریق برقراری ارتباط چشمی با دوستان هم رشته ای خود و همچنین سایر اشخاص مستقر در محیط آکادمیک دانشگاهی با آنها به بحث و گفتگو پرداخته و خود این بحث و گفتگو هر روز اشتیاق بیشتری را در دانشجو می‌پروراند و باعث می‌شود که انگیزه دانشجو به درس و دانشگاه و ایجاد آینده ای روشن بالا رفته و با جدیت بیشتری مباحث را دنبال کند.

سند تحول بنیادین - بیانیه ارزش‌ها

گزاره‌های ارزشی مندرج در بیانیه ارزشها، باید‌ها و نباید‌هایی اساسی است که لازم است تمام اجزا و مؤلفه‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی هماهنگ با آنها بوده و همه سیاستگذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پایبند به آنها باشند. این ارزشها براساس آموزه‌های قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و حضرات اهل بیت (علیهم‌السلام)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و سند چشم‌انداز بیست ساله و نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی تحول نظام آموزشی تهیه و تدوین شده است و با مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش (شامل فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت رسمی عمومی و رهنامه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در جمهوری اسلامی ایران) سازگار و مستند به مضامین مندرج در آنها می‌باشد.

الگوی هدف گذاری برنامه درسی ملی

طراحی و تدوین سند ملی نوعی سرمایه گذاری عمومی و کلی در حوزه برنامه ریزی درسی است. از نظر لامبی تدوین چارچوب برنامه درسی ملی نوعی هدایت ملی درباره ی آن چه که باید آموخته شود و چگونگی آموختن روش های ارزش یابی و پی آمدهای مورد انتظار است. داوکنیز سند برنامه درسی ملی را به عنوان چارچوب عمومی و مشترک برنامه درسی یک جامعه تعریف می کند که در آن ملاک های یی برای تعیین محتوا در حوزه های موضوعی، ملاک هایی برای ارزش یابی میزان تحقق اهداف برنامه ی درسی و چارچوبی برای طراحی برنامه های درسی و اقدامات آموزشی به بهترین وجه فراهم می آید. در برنامه درسی ملی، موضوعات درسی، مهارت‌ها و توانایی‌هایی که دانش آموزان باید یادبگیرند مشخص می شوند و نظام آموزشی ملزم به پیش گرفتن روندی است که اهداف منظور شده برای برنامه درسی تحقق یابد.

مبانی برنامه ی درسی ملی به دو قسمت تقسیم می شود؛ الف) مبانی علمی ب) مبانی فلسفی مبانی علمی از دانش های مرتبط مانند؛ جامعه شناسی و روان شناسی و مانند این ها سرچشمه می گیرد. مبانی فلسفی که از دین و ایدئولوژی و فلسفه اجتماعی حاکم سرچشمه می گیرد. مبانی فلسفی شامل؛ هستی شناختی انسان شناختی، معرفت شناختی، ارزش شناختی و دین شناختی است.

الگوی هدف گذاری، چارچوب مفهومی منسجم و یک پارچه ای است که در تدوین اهدافدر سطوح گوناگون راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان قرار می گیرد و شامل پنج عنصر و چهارعرصه ارتباط متربی؛ خدا، خود، خلق (انسان ها) و خلقت(طبیعت) است.

این پنج عنصر در چهار عرصه ی نام برده شده

در یازده حوزه یادگیری که عبارتند از: ۱- تفکر و حکمت ۲- قرآن و معارف ۳- زبان و ادبیات فارسی ۴- فرهنگ و هنر ۵- کار و فناوری ۶- سلامت و تربیت بدنی ۷- علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ۸- ریاضیات ۹- علوم تجربی ۱۰- زبان های خارجی ۱۱- آداب و مهارت های زندگی، بستر اصلی برای تسهیل فرایند تعلیم و تربیت، برای دستیابی به اهداف برنامه درسی ملی را میسر می سازد هر یک از حوزه های یازده گانه یادگیری، گستره و محدوده ی دانش، مهارت ها، نگرش ها و ارزش های مرتبط با یادگیری متربیان دبستانی تا پایان دوره متوسطه را توصیف می کند.

عرصه های ارتباطی چهارگانه با فرض «محروربودن ارتباط با خدا» عبارتند از: خدا: صفات، افعال، پیامبران الهی، کتاب خدا، دین خدا. خود: ابعاد جسمانی و روحانی. خلق: خانواده، همسایگان، جامعه محلی، جامعه ملی، جامعه اسلامی و جامعه جهانی. خلقت: طبیعت و ماوراء طبیعت. عنصر در این الگو ناظر به اجزاء یک بعد از ابعاد اهداف کلی و تفصیلی است. عرصه ناظر به نوع ارتباطی است که متربی با «خود، خدا، خلق و خلقت» برقرار می سازد.

یکی از محور هایی که برنامه درسی ملی بر آن تاکید دارد، موضوع تفکر است؛ به طوری آموزش تفکر و حکمت به عنوان یکی از حوزه های یادگیری جدید مطرح گردیده است و در الگوی هدف گذاری به عنوان یکی از عناصی اصلی در نظر گرفته شده است. همه ما به تجربه شخصی و مشاهده دیگران دریافته ایم که در وجود انسان قوه ای است که می تواند در اطراف و جوانب هر موضوعی به بررسی و تامل بپردازد و نیک و بد را بسنجد و ارتباط میان علت و معلول را درک کند و از مقدمه به نتیجه پی ببرد، این قوه را «عقل» می نامند.

پس عقل قوه ای است که به کمک آن انسان می تواند به بررسی امور، کشف مجهولات، حسابگری، قضاوت و نتیجه گیری بپردازد. تفکر، همان عمل و فعالیت عقل است که قوه ای مخصوص انسان است و سایر موجودات روی زمین از آن بی بهره اند. عقل انسان وقتی رشد می کند و قوی می شود که به کمک تفکر، وادار به فعالیت شود.

این جدول دو بعد دارد که ستون آن پنج عنصر و ردیف آن چهار عرصه دارد. در توضیح این الگو به طور ساده می توان گفت؛

۱. هر علم و دانشی در جریان تعلیم و تربیت باید بر اساس عقل، منطق، حکمت و فکر باشد.
۲. علم و دانش مبتنی بر عقل و فکر باید منجر به ایمان و باور و انگیزه معنوی شود.
۳. بر مبنای عقل و ایمان، علم و معرفت و آگاهی کسب گردد.
۴. هر علم و معرفتی به خودی خود کافی نیست، بلکه باید منجر به عمل شود.

۵. هر علمی باید بر مبنای نظام ارزشی و اخلاقی قابل توجیه باشد.

در هر مرحله ای از مراحل فوق نه تنها این مراحل با هم در ارتباط و پیوستگی هستند بلکه در عرصه های چهارگانه ارتباط باخدا، خود، خلق و خلقت تعریف تبیین و تدقیق شده اند. با توجه به آن چه اشاره شد می توان گفت

که الگوی هدف گذاری در صدد چارچوب مفهومی منسجمی است که در تدوین اهداف راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان قرار گیرد. در تعیین اهداف تاکید بر این است که نظام تعلیم و تربیت اسلامی ما باید به دنبال تربیت انسانی باشد که اهل فکر و اندیشه، ایمان و باور محکم، علم و دانش و بصیرت، عمل صالح و شایسته و اهل اخلاق و رفتار نیکو و دارای فضایل انسانی باشند و در عرصه های گوناگون زندگی بر طبق معیارهای درست عمل کنند. یعنی در برابر خدا چنان عمل کنند که خدا می پسندد. با خود چنان رفتار کنند که خدا دوست دارد، با خلق چنان عمل کنند که خدا فرموده است و با عالم خلقت چنان تعامل کنند که خدا فرمان داده است. گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی عبارتند از:

۱. آموزه‌های قرآن کریم، نقش معنوی، اسوه‌های هدایتی و تربیتی پیامبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) و ائمه معصومین به ویژه امام زمان (عج) و ولایت‌مداری در تمام ساحتها برای تحقق جامعه عدل جهانی است. تبصره: اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی

براساس قوانین موضوعه اقدام خواهند کرد. ۲. آموزه‌های بنیادین مهدویت و انتظار که رمز هویت اسلام ناب و عامل حیات و بقای آن در عصر غیبت است، به عنوان مهمترین رسالت منتظران در عصر غیبت.

۳. میراث نظری و عملی حضرت امام خمینی (ره)، تعمیق علاقه و پیوند با انقلاب اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه

۴. فرآیند تعلیم و تربیت در تمام ساحتها شامل تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی، تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تعلیم و تربیت علمی و فناورانه منطبق بر نظام معیار اسلامی مبانی و ارزش‌های برگرفته از قرآن کریم، سنت حضرات معصومین (علیهم السلام) و عقل که تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی در آن محوریت دارد.

۵. زمینه‌سازی کسب شایستگیهای پایه با تأکید بر خصوصیات مشترک اسلامی ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش‌آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی.

پری فهندژ سعدی
دانشگاه فرهنگیان شیراز

کنکور



و راه و روش تخلق به فضائل اخلاقی همچون عدالت خواهی، انسان دوستی و مهر ورزی و غیره آموزش داده می شود ولی با وجود کنکور کل زندگی دانش آموزان، صرف تمرین تست زنی و حفظ محفوظات میشد. وادار نمودن دانش آموزان به مطالعه چندین ساعته ی مطالب خشک و نجسب و بی روح چه اثرات سوئی بر شخصیت آن ها خواهد گذاشت و با این شرایط پر واضح است که عنان اختیار اداره کشور در آینده به دست کسانی سپرده خواهد شد که ذهن های خسته و تنبل دارند نه خلاق و فعال. یکی از تبعات شرایط تحمیلی کنکور برای جوانان ما که جای افسوس دارد این است که هستند کسانی که تصور می کنند اگر یکی دو سال در کنکور شرکت کردند و به هر دلیل (که مسلماً در موارد زیادی به هیچ وجه ناشی از استعداد کم یا عدم تلاش کافی از سوی او نبوده است) در ورود به دانشگاه موفق نبودند دیگر بایستی از قید ادامه ی تحصیل برای یک عمر بگذرند و دیگر هرگز به فرصت های بعدی برای ادامه ی تحصیل فکر نکنند.

نمی توان زحمات چندین ساله یک داوطلب را با یک آزمون چند ساعته و البته طاقت فرسا مورد ارزشیابی قرار داد. عمده تمرکز کنکور بر روی توانایی های شناختی داوطلبان بوده و میزان توانایی های مهارتی و بالاخص توانایی های عاطفی آنها در کنکور نادیده گرفته می شود. سیستم تعلیم و تربیت و بالاخص معلمان و دانش آموزان ناخواسته به حافظه محوری ترغیب شده و سطوح بالای یادگیری مانند توانایی خلاقیت و و تفکر انتقادی ... نادیده گرفته می شود. کنکور موجب می شود زمینه برای سودجویان این حوزه فراهم آمده و آن را منبعی برای کسب درآمد تلقی کرده و صرفاً به سود اقتصادی بیشتر بیندیشند. اینجاست که حتی برای سود بیشتر ممکن است محتوای کنکوری بی ارزش و بی اهمیتی با برچسب کتاب و جزوات کنکوری وارد بازار شود. کنکور، برای دانش آموزان و خانواده ها اضطراب زایی مفرط داشته و استرس کنکور به ویژه در سال آخر و ماههای پایانی بر روی دانش آموزان و خانواده ها همچنان باقی خواهد ماند. سال آخر دوره دوم متوسطه، صرفاً به سال «تمرین تست» تبدیل می شود و عملاً اهداف برنامه درسی آن محقق نخواهد شد.

کنکور فشار روانی بسیار شدیدی را بر دانش آموزان و خانواده های آنها وارد می کند. وقتی فشارهای روانی از سوی خانواده و مدرسه بر دانش آموزان وارد می شود و میزان این فشارها در تحمل فرد نیست، این مسئله به عنوان خشم فروخورده همیشه همراه وی هست و باعث ایجاد اضطراب و استرس می شود که در شخصیت روانی دانش آموز در آینده تأثیرگذار است. متمرکز کردن تعیین قطعی سرنوشت آینده تحصیلی دانش آموزان در قالب یک آزمون، به شدت اضطراب آفرین است و می تواند پیامدهای روحی و روانی جبران ناپذیری را برای دانش آموزان به ارمغان آورد.

مهدی امیری

کارشناسی روانشناسی دانشگاه شیراز

رویداد پر تب و تاب کنکور، هر ساله فکر میلیون ها ایرانی را علاوه بر داوطلبان به خود مشغول می کند و خواه ناخواه زندگی داوطلبان و خانواده هایشان را به ویژه در ماه های آخر نزدیک به برگزاری کنکور سراسری با خود به حاشیه می برد و دستخوش تغییراتی می کند. صحبت از کنکور که می شود، همیشه یکی از بحث های داغ، استرس زا و نگرانی های ناشی از آن است که از یک سو داوطلبان و خانواده هایشان را درگیر خود کرده و از سویی بازار داغی را برای مشاوران تحصیلی، موسسه های کنکور، مدرسان کنکور و غیره ایجاد می کند. کافی است با کمی جست و جو در اینترنت و شبکه های مجازی مشاهده کنید که چه تعداد مقاله و مطلب درباره استرس کنکور و راه های کنترل آن نوشته شده است.

در مقابله با تبلیغ های تو خالی ولی روحیه تخریب کن، داوطلبان و دانش آموزان صدها شب از استرس نمی خوابند و بیماری های افراد ۴۵ ساله را در ۱۷ سالگی تجربه می کنند و بعد وقتی ستون فقرات جوانانمان زیر بار کتب قطور خم شد، آن وقت به آنها افتخار می کنیم که فرزند شایسته خانواده و مدرسه شدند.

کنکور را می توان از ابعاد مختلف بررسی کرد از یک طرف حدود یک میلیون نفر سالانه در این آزمون شرکت می نمایند اما ۳۰ میلیون نفر دچار استرس و اضطراب می شوند. خانواده ها خودشان را از تفریحات زندگی، مسافرت ها و رفت و آمدهای خانوادگی، حتی بعضاً خود را از تماشای تلویزیون هم محروم می سازند تا بچه هایشان درس بخوانند به امید قبولی در رشته دلخواه در کنکور. نوجوانان و جوانانی که باید به تناسب و اقتضائات سنی خودشان از زندگی لذت برده و بهره مند شوند خیلی زود در چنگ هیولایی به نام کنکور گرفتار شده و غرق استرس و دغدغه گذر از این آزمون سخت می شوند که مبادا دسترنج ۱۲ ساله شان به همراه آمل و آرزوهای شان در عرض ۴ ساعت به باد فنا رود و ضایع گردد از طرف دیگر عده ای از این آب های گل آلود خوب می توانند ماهی بگیرند و برای خودشان کیسه های زرین بزرگی بدون این افراد با چاپ و نشر کتاب های کمک آموزشی، تشکیل کلاس های کنکور به برگزاری آزمون های رقابتی در فضای مسموم تبلیغاتی هر طور که دلشان می خواهد در این میدان جولان می دهند و هزینه های اضافی به خانواده ها تحمیل می نمایند. جای بسی تعجب است که رفته رفته بر حجم کتاب های کنکور و کمک آموزشی افزوده می شود امروزه صنعت کنکور علاوه بر نشریات روزنامه ها و مجلات، شبکه های اجتماعی مجازی را نیز تسخیر کرده و در نبود نظارت، خانواده ها را متقاعد نمودند که جهت موفقیت در این عرصه باید سال ها پیش از پایان دوره دبیرستان به فکر کنکور باشند و از دوره راهنمایی یعنی دوره اول متوسطه حتی از دوره ابتدایی در کلاس های کنکور شرکت نمایند.

راستی چند درصد دانش آموزانی که از سال های پیش از کنکور در چنین کلاس هایی شرکت می کنند موفق هستند مگر نمی گویند جوانی گلی است که در بهار عمر بیش از یک بار شکفته نمی شود و این گل زیبا نباید در معرض تندباد های زندگی قرار گیرد در حالی که در کشورهای پیشرفته در این سن و سال در مدارس برای دختران و پسران مهارت های زندگی چگونگی مقابله با مسائل و مشکلات

مشخص نشدن وزیر آموزش و پرورش

سرمایه آینده کشور سروکار دارد بدون وزیر بماند. مطابق قانون، رئیس جمهور ۳ ماه وقت دارد تا گزینه جدید را معرفی کند. آن هم چه سه ماهی؟ سه ماهی که دقیقاً مقارن شده است با آغاز سال تحصیلی جدید که پس از پاندمی کرونا، قرار است دانش‌آموزان کم‌کم آموزش حضوری را آغاز کنند. از طرفی مسائلی چون: واکسیناسیون دانش‌آموزان، چگونگی آموزش مجازی-حضوری دانش‌آموزان، طرح رتبه‌بندی معلمان که این روزها در مجلس در حال بررسی جدی است و... به ما می‌فهماند که در مهم‌ترین بازه زمانی سال که پرکارترین روزهای یک وزیر است، این وزارتخانه بی‌صاحب است و تنها با حکم سرپرستی اداره می‌شود! به همین خاطر است که هر روز یک صدایی از دولت بلند می‌شود و برای دانش‌آموزان تعیین تکلیف می‌کند! یکی می‌گوید از فلان موقع حضوری می‌شوید و باید واکسن بزنید! دیگری می‌گوید که نه! به این زودی‌ها حضوری نمی‌شوید. دیگر بهتر از این نمی‌شد اعتماد مردم به مجموعه مدیریتی آموزش و پرورش را سست کرد. اگر فردا روزی یکی از همین مسئولین بیاید و برای مردم از تحول و تغییرات عمده و جدی صحبت کند، مردم نمی‌گویند که به هیچ کدام از سخنان این‌ها نمی‌شود اعتماد کرد و سر قضیه واکسن و آموزش حضوری حسابی بی‌برنامه بودند و ما را سر دواندند؟ حتماً می‌گویند.

لذا اکنون جدی‌ترین دغدغه دلسوزان آموزش و پرورش کشور این است که اعتماد مردمی به قول و فعل مسئولان به شدت پایین آمده است. متأسفانه این یعنی قدرت لازم برای ایجاد تحول وجود ندارد. وزارت آموزش و پرورش به جد نیازمند یک گزینه جوان و دانشمند است که هم بتواند صبح و شب برای این مسئولیت وقت بگذارد و هم بتواند مردم را اقناع و نخبگان را برای تحول همراه کند و اعتماد از دست رفته مردم را جلب کند. اکنون فرصتی برای آزمون و خطا وجود ندارد و وقت آن است که آموزش و پرورش بالاخره از جا کنده شود به سوی فرم مطلوب گام‌های بلند و جدی بردارد.

علی جوادی

کارشناسی روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

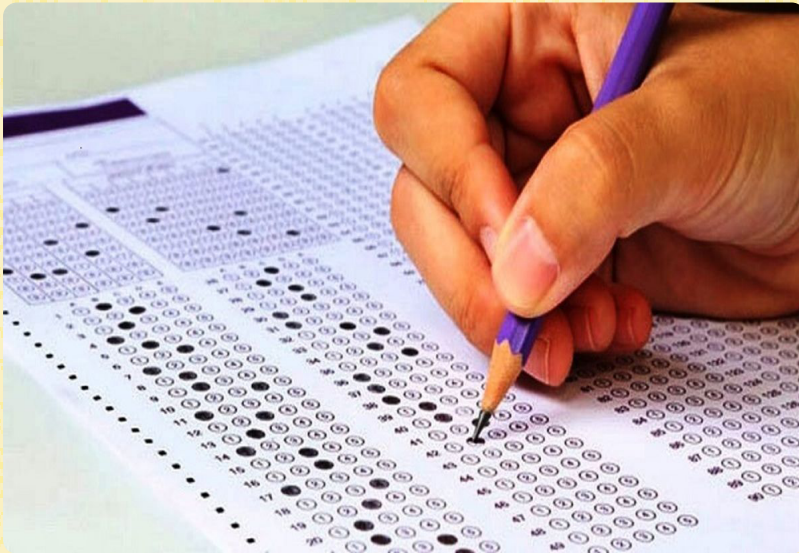
پس از انتخابات پر سر و صدای خرداد ۱۴۰۰ و مشخص شدن ترکیب قدرت در سطوح عالی مدیریتی کشور، آنچه که شاهد بودیم یک پارچگی فکری و هماهنگی ایدئولوژیک مدیران بود. همین باعث شد که مردم دیگر بهانه‌ای از کارگزاران نظام در اطاله حل مشکلات و معضلات نپذیرند و منتظر تغییرات جدی و محسوس در کف زندگی خود باشند. قابل درک است که اولویت امروز کشور مسائل اقتصادی است اما مردم فقط برای مسائل اقتصادی پای صندوق‌های رأی نیامده‌اند. از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم و نیز از بنیادی‌ترین نیازهای کشور، تغییر جدی در نگرش آموزشی و پرورشی کشور است. بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از مشکلات کشور چه بسا بگوییم همه مشکلات کشور از نقصان آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان شکل می‌گیرد و این حیطة نیاز جدی به تحول دارد؛ کما این که چندین سال است سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش کشور نوشته شده است. فارغ از این که چقدر به این سند بها داده شده، صرف تدوین چنین سندی یادآور آن است که سالیانی است نیاز جدی به تحول را احساس کردیم و حتی داریم چوب این عدم تحول را هم می‌خوریم، اما کمر همت نستیم و هنوز که هنوز است اشکالات اساسی به نظام آموزشی و پرورشی ما وارد است.

لازمه‌ی تحول در هر حیطة‌ای قدرت است. یعنی برای آن که شما بتوانید ساختار و سازوکار پیشین یک مجموعه را بهم بریزید و از نو بچینید، نیاز به اعمال قدرت جدی دارید. پر واضح است که اعمال قدرت در اینجا نه به معنای زور پلیس و قانون، بلکه به معنای پشتوانه مردمی و نیز پذیرش خواص جامعه و همراهی مدیران است. تا مردم از تحولی حمایت نکنند و تا نخبگان و مدیران اقناع نشوند تحولی شکل نمی‌گیرد. آن چه در انتخابات اخیر دلسوزان نظام را به تأمل واداشت آن بود که میزان مشارکت مردم، که اصلی‌ترین نشانه پشتوانه مردمی برای تحول‌های بزرگ در ساختار کشور است، پایین بود. این یعنی دولت، حداقل در اوایل کار خود هرگز نمی‌تواند دست به تحولات جدی بزند، چراکه مردم با آن همراهی نمی‌کند و چه بسا تقابل هم داشته باشند.

حال و با در نظر گرفتن این وضعیت مشارکت مردمی و نیز آن چه از اهمیت آموزش و پرورش بیان شد، این درد بیش از پیش حس می‌شود که چرا در معرفی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش، یک گزینه‌ی نه چندان مناسب معرفی شد تا با عدم اعتماد نمایندگان به او، وزارتخانه‌ای که به طور مستقیم با ۱۵ میلیون



موسسات کنکور و درآمد کلان آنها



کنکور همانطور که می‌دانیم تعداد داوطلبان کنکور از اولین سال شروع همواره روند صعودی را پیموده و می‌پیماید. در این میان رقابت چشمگیری نه تنها در بین داوطلبان بلکه بین موسساتی که خود را فرشته نجات دانش آموزان و داوطلبان می‌دانند وجود دارد. اما این سوال مطرح است که آیا واقعا این موسسات آنطور که خود را معرفی می‌کنند، بازدهی دارند؟

متاسفانه در ایران مساله ورود به دانشگاه از مساله خروج از دانشگاه مهم تر است و همین مساله باعث روی آوردن داوطلبان به سمت کلاس های کنکور می‌شود. اما باید این نکته را در نظر گرفت که کلاس های کنکور تنها یک ابزار است که در اختیار دانش آموز یا داوطلب قرار می‌گیرد و انتخاب این ابزار لزوماً منجر به موفقیت نمی‌شود. با اندکی تامل در مصاحبه های انجام گرفته با رتبه های برتر دیده شده که خیلی از آنها یا اصلا در کلاس کنکور شرکت نکردند یا به صورت موردی استفاده کردند. مسلماً یکی از ابزار های هرفرد و به تبع آن موسسه ابزار تبلیغ است و موسسه های کنکور هم از این ابزار خود را محروم نکرده تا حد

ممکن از آن استفاده کرده و می‌کنند. در نتیجه دانش آموزان و داوطلبان به سمت این گونه موسسه ها روی می‌آورند با روی آوردن دانش آموزان به سمت آنها درآمد های میلیاردی کسب می‌کنند.

گفته می‌شود سالیانه قریب به ۴۵۰۰ میلیارد تومان گردش مالی برای موسسات کنکور تنها در شهر تهران وجود دارد که معادل ۱۵ درصد بودجه آموزش و پرورش عالی در سال است اماره های دیگری هم حاکی از این است که درآمد برخی دیگر، نزدیک به ۹۰۰ میلیارد تومان در سال است که اگر بهترین حالت را در نظر بگیریم بین ۱۰ تا ۱۲ میلیارد به عنوان هزینه دستمزد و حقوق و هزینه های جاری پرداخت می‌کنند.

موسسات کنکوری پر سود قسمتی از کار خود را اختصاص می‌دهند به تهیه و توزیع دی وی دی های درسی ولی نه به قیمت عادی و معمولی به عنوان مثال ۵ دی وی دی را با قیمت ۳۰۰ هزار تومان می‌فروشند. بعضی از تهیه کننده گان این دی وی دی ها برای سود دهی بیشتر مثلاً یک مبحث درسی را در سه دی وی دی عرضه می‌کنند و آن را به قیمت ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان می‌فروشند. متاسفانه شگرد برخی از آنها دست گذاشتن روی قشر فقیر جامعه است تاجایی که طرف مقابل حاضر می‌شود وسایل خانه خود را بفروشد و پکیج ۱۰ میلیونی برای فرزند خود بخرد تا در کنکور قبول شود. چندین موسسه بزرگ در کشور وجود دارد که هر کدام ۴ الی ۵ هزار نفر را بصورت مستقیم و همین تعداد هم به صورت غیر مستقیم به کار گرفته اند اگر به این امار چاپ خانه های چاپ کتاب آموزشی این موسسات و دفاتر نشر دی وی دی ها را هم اضافه کنیم که امارها افزون می‌شود

اصلی ترین کار این موسسات القای نیاز به دانش آموزان و داوطلبان کنکور است بارها در تبلیغات مختلف آنها دیده ایم که ادعا می‌کنند با خواندن یک کتاب یا خرید یک دی وی دی، حتماً در رشته مورد علاقتان قبول خواهید شد با دادن شعارهایی که به گفته معلمان و اساتید دانشگاه هیچ پایه و اساس علمی ندارد به ذهن دانش آموزان و داوطلبان این باور را القا می‌کنند که راه دیگری جز استفاده از این کتاب ها و دی وی دی ها وجود ندارد. همانطور که میبینیم تنوع مافیای کنکور در کشور بسیار داغ است و تا زمانی هم که یکی از دلایل اصلی این تنوع داغ سیاست وزارتخانه دولتی است و مجوز ورود به مدارس از سوی آموزش و پرورش صادر می‌شود.

سخن گفتن از مافیا بی فایده است. در برخی مدارس موسسات کنکور با ورود به مدارس اقدام به برگزاری آزمون ها و کلاس های تست و رفع اشکال برای دانش آموزان کرده اند و ورود موسسات کنکور به مدارس تنها بخشی از نفوذ مافیای کنکور به مدارس است در کنار این مسائل مشاهده شده کتاب های کمک آموزشی با تخفیف در مدارس به فروش

می‌رسد. البته از این درآمد کلان موسسات صدا و سیما هم بی نصیب نمانده و گفته شده در سال گذشته یک موسسه آموزشی برای پخش آگهی های بازرگانی رقم ۳۰۰ میلیارد تومان پرداخت کرده تا تبلیغ کلاس های کنکور این آموزشگاه را از تلویزیون پخش گردد. بحث مافیای کنکور نیاز به بحث و بررسی جدی دارد دلسوزان آموزش در کشور باید با عزم جدی این مساله را حل کنند و پای افراد سود جو و مافیا را از کنکور حذف کنند و با فکر سنجیده و کارآمد برای پیشرفت دانش آموزان و داوطلبان و در نتیجه برای رسیدن به اهداف متعالی تلاش کنند. زیرا که دانش آموزان سرمایه هر مملکت هستند و هر چه برای آموزش و پرورش و بالا بردن سطح علمی و دینی یک نسل برنامه بهتر ریخته شود نتیجه بهتر عاید خانواده ها و هم عاید کشور خواهد شد.

فاطمه عزیزی

کارشناسی زبان و ادبیات عرب دانشگاه شیراز

مجله

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز

مدیر مسئول و سردبیر: مجید دهقان

ویراستار: عثمان یار احمد زهی

طراح و صفحه آرا: سید محمد علی حسینی

هیئت تحریریه: ایوب اسفندیاری/علی دهقانی/پری فهندژ/مهدی امیری/علی جوادی/

فاطمه عزیزی

شماره مجوز: ۲۶۶/ک ن ش

سال سیزدهم، شماره ۴۷، آذر ۱۴۰۰

نظرات و پیشنهادات @basij_edu_psy



بسیج دانشجویی دانشکده
علوم تربیتی و روانشناسی